

اخبار فرهنگی

وضعیت بددو کاروانسرای فاخر در سبزوار به روایت یک مرمترگ موضوع دیگر مرمت‌های غیراصولی نیست، بلکه ویرانی است



زهره بزرگمهری که از چهره‌های ماندگار حوزه مرمت‌است، از وضعیت دو کاروانسرای ارزشمند تاریخی در سبزوار گلگمندانست. اومی گوید: کاروانسرای سرسنگ کلیدر تبدیل به زباله‌دانی شده و سقف‌ها و دیوارهایش فروریخته و کاروانسرای جهانی زعفرانیه هم همین وضعیت را دارد و بخشی از آن ریزش کرده‌است.

روستا کلیدر، کاروانسرای دارد که نمونه معماری آن در جهان بی‌نظیر است. این کاروانسرا که جزو ۵ کاروانسرای بزرگ ایران است به دلیل برخورداری از معماری هشت ضلعی، با وجود ثبت ملی، از جمله بناهای منحصربه‌فرد محسوب می‌شود اما از وضعیت اسفباری برخوردار است. اگرچه در میان کاروانسرای ثبت‌شده، کاروانسرای زعفرانیه که جزو ۵۴ کاروانسرای ایران به‌شمار می‌رود و در یونسکو به ثبت رسیده، بازم شرایط نامناسبی دارد.

زهره بزرگمهری (مرمترگ پیشکسوت) از وضعیت کاروانسرای سرسنگ کلیدر و کاروانسرای زعفرانیه گلگمندانست. او به این‌ها گفت: یک زمانی صحبت از مرمت غیراصولی می‌شود اما یک زمان موضوع ویرانی بنای تاریخی است. هنوز وضعیت شهرهایی مثل شیراز خوب‌است، خراسان به مراتب وضعیت بدتری دارد. بزرگمهری افزود: در سفر به سبزوار وقتی با مهم‌ترین بناهای تاریخی سبزوار یعنی دو کاروانسرای سرسنگ کلیدر و زعفرانیه مواجه شدم، زرد زاردم و گریستم. کاروانسرای سرسنگ کلیدر هشت ضلعی است و نمونه‌های از این نوع معماری جای نداری اما این معماری منحصربه‌فرد امروز تبدیل به زباله‌دانی شده و سقف‌ها و دیوارهایش فروریخته‌است.

انطور که این پیشکسوت مرمت در ایران می‌گوید: در کاروانسرای سرسنگ کلیدر به دلیل نداشتن حریم، مردم از دیوار آن به صورت مشترک استفاده کرده‌اند و دیوار به دیوارش ساختمان‌سازی کرده‌اند. آنها با باله‌های خود، را در این بنای ریزند بعده خانه‌های خود می‌روند.

او گفت: وقتی این کاروانسرا را مشاهده کردم فقط اشک ریختم نفهمیدم آن سفر چه شد همان لحظه به رئیس اداره میراث فرهنگی استان خراسان رضوی نامه نوشتم و همین‌طور به معاون میراث فرهنگی این اداره کل و دو ماه از این نامه‌نگاری‌ها می‌گذرد آن‌ها هنوز پاسخ‌مرا ندادند. این در حالی است که پس از بی‌پاسخ ماندن نامه‌هایم به اداره کل میراث خراسان رضوی به چندین قسمت و زارتخانه از جمله رئیس دفتر وزیر نامه‌نگاری کرده‌ام که آنها هم بی‌پاسخ مانده‌است.

بزرگمهری تأکید کرد: در اینجا دیگر موضوع مرمت‌های غیراصولی نیست بلکه تماشای ویرانی است. ای کاش مدیران میراث فرهنگی دو آجر می‌گذاشتند حتی اگر به اشتباه، اما حداقل از ریزش جلوگیری می‌کرد. متأسفانه وضعیت بناهای تاریخی سبزوار اصلاً مناسب نیست کاروانسرای جهانی زعفرانیه هم از همین وضعیت برخوردار است. یک بخش از این کاروانسرا ریزش پیدا کرده‌است و مدیران اداره کل میراث فرهنگی خراسان کوچکترین واکنشی نشان نمی‌دهند.

او گفت: پیشتر یک بخش از کاروانسرای زعفرانیه مرمت‌شده بود که بازم به‌درست و غلط آن کاری ندارم اما بخش دیگری از این کاروانسرا در حال ریزش است و متأسفانه مسئولان؛ آن بخش مرمت‌شده را به عنوان سند افتتاح نگه‌داشته‌اند و کوچکترین اقدامی برای احیای این بنای منحصربه‌فرد تاریخی انجام نمی‌دهند. این در حالی است که هر دو بنای تاریخی کاروانسرای سنگ کلیدر و زعفرانیه در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده‌اند.

در ۲۴ شهریور ۱۴۰۲ در جریان چهل و پنجمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در ریاض، کاروانسرای زعفرانیه به‌همراه ۵۳ کاروانسرای تاریخی دیگر (جمعا ۵۴ کاروانسرا در استان ایران) تحت عنوان کاروانسرای ایرانی در فهرست میراث جهانی قرار گرفتند. این مجموعه جهانی به عنوان بیستمین و هفتمین اثر جهانی کشور ایران شناخته می‌شود.

مصوبه عجیب نمایندگان مجلس علیه رسانه‌ها: مطبوعات مطالبی ننویسند که حاکی از انصراف نامزدهای انتخاباتی است



نمایندگان در نشست علنی دیروز مجلس مصوب کردند: کلیه مطبوعات و رسانه‌های دیداری و شنیداری اعم از مکتوب و الکترونیکی از قبیل شبکه‌های مجازی، حق ندارند که آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند و یا برخلاف واقع مطالبی بنویسند که دل بر انصراف گروه یا شاخصی از نامزدها در معین باشند و در صورت نامزددها حق دارند پاسخ خود را حداکثر ظرف ۱۲ ساعت پس از انتشار به رسانه مزبور ارسال کنند. به گزارش ایران آن رسانه در صورت مکتوب بودن ملزم است در اولین شمار و در صورت الکترونیکی بودن مکلف به انتشار پاسخ نامزد حداکثر تا یک ساعت پس از دریافت پاسخ است. رسانه‌های مذکور موظف به درج پاسخ به صورت رایگان در همان صفحه، ستون و جایگاه و همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، هستند، مشروط بر اینکه جواب از دوبرابر اصل مطلب تجاوز نکند. براین اساس، در صورتی که آن رسانه منتشر نشود، مسئول آن باید با هزینه خود پاسخ‌نامزد را به رسانه مشابه دیگری که قبل از پایان مهلت قانونی تبلیغات منتشر می‌شود، ارسال کند و آن رسانه مکلف به درج آن در اولین انتشار خود است.

درباره نمایش‌های «هدویگ»، «برادران کارامازوف» و «فلسفه سی تفی»

فلسفیدن تئاتری



محمدحسین خدایی

روزی‌های سرد زمستان با شستاب می‌گذرد و وضعیت عمومی تئاتر به لحاظ مخاطب چندان مساعد نیست. اغلب اجراها در جذب و جلب تماشاگر ناکام مانده و آن چنان که باید نمی‌توانند هزینه‌های تولید را تأمین کنند. صدمه البته در این سرمایه‌استخوان‌سوز، اجراهایی بر صحنه است که با استفاده از خوانندگان رب‌مهر که بر پا کرده و به قول بازاری جماعت «بفروش» هستند. نمایش‌هایی که نسبتی با مرفه‌نگنداشته و اتمسافه‌دهنده ابتلال بوده و سلیقه مخاطبان را به بیراهه می‌برند. بنابراین وظیفه فضای نقد در این وادی بر مسئولان مداخله در وضعیت بی‌سامان کنونی و به‌صدا آوردن زنگ هشدار است تا شاید قاطبه جماعت تئاتری از خواب زمستانی بیدار شده و فکری به حال فقدان معیارهای زیباشناختی از برای سنجش اجراهای هر صحنه آمده کنند. انتظار کمابیش عبث که ره به جایی نمی‌برد و بیش از امید، ملال می‌افزاید و بیش از پیش آفتی پیش رو را شوربخانه ناگوار ترسیم می‌کند. از قضا این روزها می‌بایست صریح‌تر از هر زمان به منطق سرمایه‌سالار تئاتر کشور حمله کرد و بار دیگر از تجربیات خوب بعضی اجراهای خوب دوران گذشته گفت. اجراهایی که شور می‌آفریند و تماشاگران را واجد تجربه‌ای ناب از مساحت زیباشناسی می‌کردند. همان زمانه‌ای که افراد همدل کنار کار تئاتر می‌کردند و بجای ساز و کار بازر، به ذوق و سلیقه تربیت شده اهمیت می‌دادند و نسل باشکوهی از مخاطبان را واجد دانش زیباشناسانه می‌کردند. جایی که افراد مختلف به میبانی حضور در یک اجتماع تئاتری با یکدیگر آشنا می‌شدند و در صورت تمایل رفاقت می‌کردند و تجربیات مشترکی می‌ساختند. تئاتر میعادگاهی بود برای عشاق خسته‌تدل امام‌میدوار. خاطره آن روزها دربر زمانی است که به‌سر آمده و حسرتش را در دل‌ها زنده کرده‌است. آیا در آینده یک‌بار دیگر آن زمانه دوستی

و عاشقی به‌میبانی تئاتر فر خواهد آمد؟ آیا جماعت تئاتری از قید و بند تهیه‌کننده سودجو و سالن‌دار سرمایه‌سالار رها شده و به خودآیینی خویش نائل خواهد آمد؟ به نظر امر ناممکنی می‌آید اما چاره چیست وقتی کار چندان نمی‌توان کرد به غیر از صبر و انتظار و کنش‌ورزی‌های کوچک. به هر روی، تئاتر این روزهای ما، تمامی پس‌روی‌هایش همچنان می‌تواند امیدبخش باشد و راهی به راهی بگشاید و رستگاری را ابشارت دهد. باید دید چگونه می‌توان از این مهلکه خطرناک گذر کرد و از نو نهاد اجتماعی تئاتر را به محلی برای گردهمایی عشاق بدل کرد. با آن‌که این امر ناممکن می‌نماید اما گریزی از مواجهه با تاریخ و نیروهای شر نیست. پس با امید، دست در دست یکدیگر برای ساختن یک اجتماع انسانی تئاتر اقدام کرده و به قول جماعت فلسفی ناممکن را طلب می‌کنیم.

این هفته به شکل کوتاه دو اجرای مهم این روزها را بررسی کرده‌ایم. اجراهایی از دو نویسنده قدر جهان ادبیات، ایبسن و داستایفسکی. غول‌هایی که می‌توانند کوه‌ها را با قلم جادویی خویش جایجا کنند. نادر برهانی‌مزد و اشکان خیل‌نژاد از دو نسل تئاتری کشور می‌آیند اما به‌راستی که صاحب‌سبک و سلیقه بوده و قسمتی از تاریخ تئاتر این کشور را ساخته‌اند.

نمایش اول - هدویگ

نادر برهانی‌مزد سال‌ها پیش، اجرای از نمایشنامه «مرغابی وحشی» ایبسن داشته و این بار با خوانشی تازه که معطوف به ذهنیت هدویگ، یا همان دختر که چهارده ساله نمایشنامه مرغابی وحشی ایبسن باشد، روایتی کمابیش تازه و تا حدودی زنانه از جهان ایبسن را به صحنه آورده است. آن چنان که در نقدهای ادبی مطرح شده می‌توان ایبسن را منتقد طبقه بورژوا و از قضا یکی از بهترین و صادق‌ترین روایتگران دانست. به واقع بورژوازی قرن نوزدهم شمال اروپا از منظر نگاه نویسنده‌ای همچون ایبسن است که به بهترین شکل صورت‌بندی شده و به میبانی تئاتر به جهان عرضه می‌شود.

نمایش دوم - برادران کارامازوف

اشکان خیل‌نژاد در جایگاه کارگردان، پس از پروژه موفق «پسران تاریخ» و بعد از سال‌ها پژوهش و ممارست و پشتکار، توانسته به یاری گروه اجرایی همدل و هم‌راهش، خوانشی جذاب و تماشایی از رمان سترگ و دوران‌ساز «برادران کارامازوف» به انجام رسانده و آن را مدت‌زمان ۳۶ دقیقه، روزهای شنبه و در سالن استاد سمندریان مجموعه ایرانشهر به صحنه آورده و میزبان تماشاگران پرشمارش باشد. روایتی با یگوشناسانه، مبتنی بر الهیات اعجاب‌آور و مسیحیت داستایفسکی که حول مناسبات پر ایهام خاندان کارامازوف‌ها شکل گرفته و به نظر می‌آید چندان که باید تن به تفسیرهای معمول امروزی نمی‌دهد. با یکران توانایی چون مجید آقاقریمی، سجاد حمیدیان،



مریم نورمحمدی، طاهره هزاوه، عرفان امین، و وحید آجرلو، میلاد شجره و... در این پروژه سنگین حضور داشته و بیش از آنکه عنوان بازیگر را بتوان در اینجا به آنان اطلاق کرد می‌توان از مفهوم «اجراگر» در موردشان استفاده کرد و به مقصود رسید. به هر حال سیاست اجرایی کارگردان، نوعی دموکراتیزاسیون اجرا و نغی تمامی اشکال سلطه است. پس جای تعجب نخواهد بود که هر نوع اقتداری که حول و حوش کارگردان، بازیگر و نمایشنامه‌نویس پدیدار شده و موجب فرادستی یک نفر نسبت به بقیه شود انکار شده و ایده‌برابری مطرح باشد. فارس باقری در جایگاه نویسنده، در همکاری طولانی مدت با گروه کارامازوف، غنیمتی است گران‌بها.



برده نقره‌ای

بررسی الگوی فم‌فنتال‌های فیلم‌نوار به بهانه شروع فصل چهارم؛ تصویر زن در سریال زخم کاری؛ قدرتمند، اغواگر و تاثیرگذار یکی از زنان کنش‌مند و اغواگر این مجموعه سمیرا ابازاری رعنا آزادی‌ور است که در هر چهار فصل این سریال حضوری موثر داشته‌است و در فصل سوم در یکی از چالش‌برانگیزترین نقش‌های کارنامه حرفه‌ای خود، در فاصله‌میان مالک و طلوعی قرار گرفت و کاراکتر یک زن روان‌پریش را بازی می‌کرد که از یک سو همچنان دل در گرو مالک داشت و سعی میکرد به او نزدیک شود و از طرف دیگر طلوعی به او اظهار علاقه کرده و قصد ازدواج با او داشت. در این شرایط و در حالی که در سیزن سوم با عنوان انتقام، رنگ و بوی انتقام مالک از طلوعی بیش از علاقه‌داشت و هم‌طلوعی به نوعی درگیر او بود، توانست در ادامه شخصیت موثر و بااهمیتی باشد که به‌دور قطع در ادامه فصل چهارم سریال شاهد موقعیت‌ها و رفتارها و تصمیمات مهمی از سوی سمیرا خواهیم بود. تصویر زنی ترسناک، فتنه‌انگیز و در عین حال جذاب و توانمند که در فصل دوم و سوم خاندان ریزآبادی و مالک را به خاک سیاه نشان داد، سمیرا چه‌ارهی قدرتمند و کنش‌گر ساخت که باعث همراهی تماشاگر با این کاراکتر شده‌است.

الهه حصاری در نقش کیمیا

کیمیا با آن جش‌تحریف و ظریفش، نقش آفرینی بزرگی در پیش‌برد سریال داشته‌است تا جایی که بنیان خانواده مالک را یک بار کن‌فیگون کرده و حالا گویا قرار است به فکر جبران این فتنه افکنی میان سمیرا و مالک باشد و در فصل سوم به واسطه‌ای میان این دو بدل شده که حتی نقش رابط و انتقال‌دهنده پیام نیز بین آن‌ها در برعهده دارد. شاید قرار است اکت خیانت‌کارانه خود در فصول گذشته را با وساطت برقرار کردن میان این دو جبران نماید.



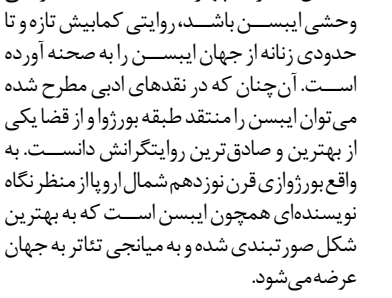
الناز ملک در نقش سیما

الناز ملک از چهره‌های جدید سینما و نمایش‌خانگی است که بازیگری‌را از تئاتر شروع کرد اما خیلی زود با حضور در سریال «سقوط» از سجاد پهلوان‌زاده، چهره شد و به نظر می‌رسد «زخم کاری» فصل ستاره شدن ملک به عنوان یک بازیگر توانمند و جذاب است که در آینده بیشتر از او و نقش آفرینی‌اش خواهیم شنید.

الناز ملک در نقش سیما، زنی فریبنده و مودی است که هر آنچه یک زن برای انتقام و خونخواهی می‌خواهد در شخصیت او تعبیه شده‌است. مرگ همسر و فرزندان به وسیله طلوعی، انگیزه مناسب و کاملی برای همدستی سیما با مالک برای زمین‌زدن طلوعی است و این زمینه‌چینی و انگیزه‌بخشی به خوبی در فیلم‌نامه برای شخصیت سیما طراحی شده تا مخاطب را در ک کند و کنش‌مندی و رفتار منحصامانه‌اش با طلوعی را باور کند. چهره و شمایل جذاب سیما هم چنان که تداعی‌گر زنان فم‌فنتال فیلم‌های نوار است، کارکرد و اما تیک خود را نیز در جذب شفاعت در فصل دوم و طلوعی در فصل سوم حفظ کرد. سیما در فصل سوم نیز با همین ظاهر فریبنده توانسته به طلوعی نزدیک شد و نوع انگیزه‌ها و اهداف خود را از انتقام همسر و فرزندان به بسا به نحوی که طلوعی

رعنا آزادی‌ور در نقش سمیرا

یکی از چهره‌های تاثیرگذار سریال زخم کاری و همچنین



رعنا آزادی‌ور در نقش سمیرا

یکی از چهره‌های تاثیرگذار سریال زخم کاری و همچنین

رعنا آزادی‌ور در نقش سمیرا

یکی از چهره‌های تاثیرگذار سریال زخم کاری و همچنین

رعنا آزادی‌ور در نقش سمیرا

یکی از چهره‌های تاثیرگذار سریال زخم کاری و همچنین

